

رویداد علمی اشتراک گذاری تجارب و ایده ها

درباره رویداد

رویدادهای علمی اشتراک گذاری تجارب و ایده‌ها بحث‌های مرتبط با تجربیات و ایده‌های جامعه علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی را شامل می‌شود. دامنه موضوعی این رویدادها در برگیرنده نتایج طرح پژوهشی، تجارب سفرهای علمی، فرصت‌های مطالعاتی، مقالات علمی پژوهشی و تجارب زیسته می‌باشد که در یک فضای گفتمانی به اشتراک و بحث گذاشته شده و بر مبنای آن درس آموخته‌های برای نظام آموزش عالی ایران ارائه می‌شود.

تهیه و تدوین:

حامد کمالی

آرمینا قربان شیرودی

موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی،

معاونت پژوهشی، سال اول، شماره دوم، مهر

۱۳۹۸

وزارت علم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

WWW.IRPHE.AC.IR ، WWW.IRPHE.IR

آدرس: ایران - تهران - خیابان نلسون ماندلا

(آفریقا) - کوی گلغام - پلاک-۷۰

تلفن: ۱۷-۰۶۱۶-۲۲۰۱ (۲۱) (۹۸)

نمابر: ۲۶۲۰۳۵۹۶-۲۲۰۵۰۳۳۸

موسسه پژوهش و برنامه ریزی

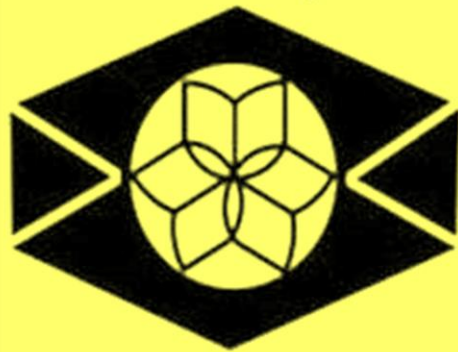
آموزش عالی

اشتراک‌گذاری تجارب و ایده‌ها

مقایسه نظام ارزیابی موسسات علمی در ایران و آلمان

عباس رشوادی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



نظام ارزیابی، نظارت و تضمین کیفیت

آموزش عالی در اسناد بالادستی:

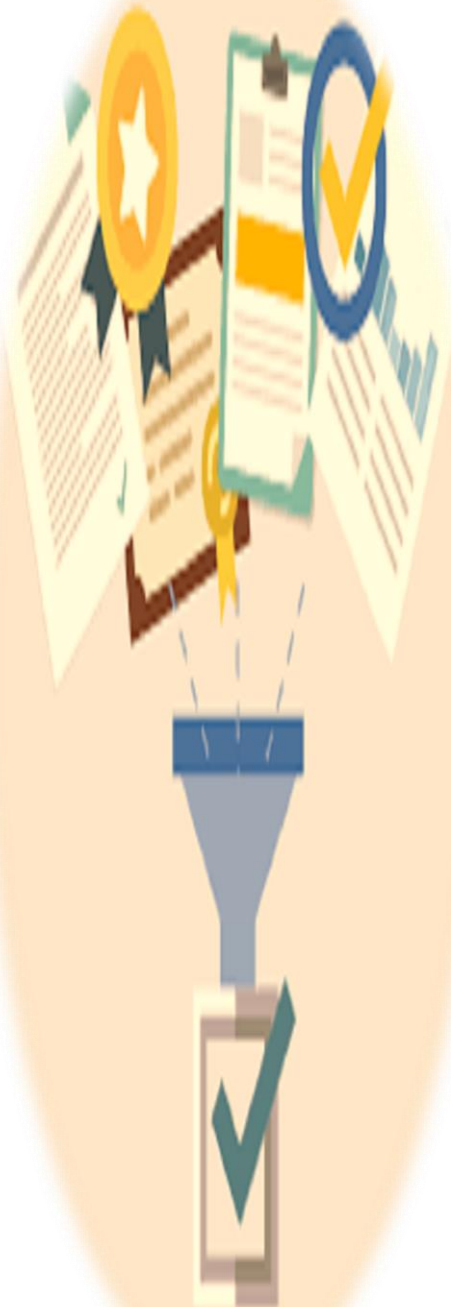
صحبت از نظام ارزیابی، نظارت و تضمین کیفیت است. ارزیابی یکی از اصلی‌ترین کارکردهای این نظام است که مبتنی بر ارزیابی درونی و بیرونی است. مأموریت این نظام طبق سند مصوبه وزارت علوم تحقیقات و فناوری عبارت است از: ضمن توجه به یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و اقدامات، ارتقای کیفیت سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح وزارتخانه، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری از طریق بررسی و ارزیابی مولفه‌های درون‌دادی، فرایندی و برون‌دادی آموزش عالی است. نظام یکپارچه‌ی نظارت و ارزیابی ضمن فراهم آوردن زمینه‌ی پاسخگویی نظام ملی علم و فناوری به ذی‌نفعان درونی و بیرونی، امکان لازم را برای تضمین کیفیت نظام‌مند آموزش عالی و مقایسه‌ی بررسی وضعیت موجود با استانداردهای بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی را فراهم می‌آورد.

چشم‌انداز این سند نیز بیان می‌کند که نظام ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌عنوان مرجع پایش و ارزیابی نقاط ضعف، قوت و چالش‌ها و فرصت‌های نظام آموزش عالی در یک افق پنج ساله، به طراحی، تدوین، سامان‌دهی و اجرای الگوها و فرایندهای نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی خواهد پرداخت که منجر به شکل‌گیری یک نهاد ملی تضمین کیفیت آموزش عالی و اعتبار بخشی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی خواهد شد.

آموزش عالی در جهان، محور عقلانیت، رشد، بالندگی و توسعه جوامع است. در حقیقت آموزش عالی از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص و گسترش مرزهای دانش می‌تواند به رشد جامعه کمک کند؛ اینها حداقل‌هایی است که در یک نظام آموزش عالی وجود دارد و باید به آن توجه شود. چنین امری در ایران کمی متفاوت است. به واقع در ایران فاصله و شکاف زیادی میان گفتار و کردار وجود دارد. بحث ارزیابی و نظارت نیز از هم‌چنین سابقه ای برخوردار است. ارزیابی به‌همراه سازمان‌دهی، کنترل و برنامه‌ریزی یکی از کارکردها و وظایف مدیریت می‌باشد؛ اما در ایران گفتمان پیرامون نظارت و ارزیابی بسیار زیاد بوده و متأسفانه به نهاد و کردار تبدیل نشده است. در این باره، اولین گام رسمی نظام نظارت بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۵ بوده است که دفتر نظارت و سنجش وزارت آموزش عالی وقت تشکیل شد. پس از آن در سال ۱۳۷۰ به دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی تغییر نام داد. این تغییر نام‌ها به نوعی یک نهضت کاری محسوب می‌شود. به‌واقع وقتی تغییر نامی داده می‌شود، اسناد و ادبیاتی تولید می‌شود، مدیرانی به کار گرفته می‌شوند، و رویکردهایی اتخاذ می‌شود که می‌تواند موثر باشد. سومین گام نیز در سال ۹۵ است که تغییر نام به دفتر نظارت ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی بوده است. همانگونه که قابل استنباط است، اسامی رفته رفته بسط و گسترده‌تر شد، گفتگو پیرامون ارزیابی و تضمین کیفیت افزون گشت ولی در عمل اتفاقی نیفتاد. به‌عنوان مثال، گفته می‌شود که توسعه نامتوازن سبب افت کیفیت شده است، ولیکن هیچ گاه گامی در راستای این توسعه‌ی کمی برداشته نشده و این یک تعارض عملی است. به نظر می‌رسد، گاهی اوقات بلای بزرگ‌تر این است که ما دچار فرمالیسم می‌شویم، یعنی در ظاهر همه چیز است اما محتوایی وجود ندارد، شعارهای زیبا وجود دارد ولی عمل خوب وجود ندارد. این مسئله‌ای است که آموزش عالی ایران به آن مبتلا است. لذا در این رویداد به بررسی تجربه کشور آلمان در حوزه ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی و ارائه درس آموخته‌های سیاستی برای نظام آموزش عالی پرداخته می‌شود.

اهداف این نظام در سند مذکور نیز:

- ارتقای کیفیت و تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در وزارت علوم تحقیقات و فناوری (حوزه ستادی)؛
- اشاعه و نهادینه‌سازی فرهنگ و نظارت ارزیابی و تضمین کیفیت در وزارت عتف؛
- ارتقا کیفیت آموزش، پژوهش و فناوری، دانشجویی، اجتماعی و فرهنگی و اجرایی؛
- بهبود کیفیت مولفه‌های درون‌دادی، فرایندی و برون‌دادی وزارت عتف؛
- شناسایی نقاط ضعف و قوت، چالش‌ها و فرصت‌های نظام عتف؛
- افزایش بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) با استفاده از فرایند نظام‌مند نظارت و ارزیابی وزارت عتف؛
- فراهم نمودن زمینه‌ی پاسخگویی نظام ملی علم و فناوری به ذی‌نفعان درونی و بیرونی؛
- تضمین کیفیت نظام‌مند آموزش عالی از طریق بررسی وضعیت موجود با استانداردهای بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی.



مدیریت کلان فرهنگی

نتایج یک بررسی در مورد کتاب‌های مدارس ابتدایی در کشورهای آلمان، چین و ایران نشان داد که، نیاز به پیروی در ایران و نیاز به پیشرفت در آلمان و نیاز به مهرورزی در چین سه نیاز هستند که در کتاب‌های درسی این سه کشور محور اصلی واقع شده‌اند و بر این نیازها تاکید شده است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که کودک ایرانی در کتاب‌های درسی خود یاد می‌گیرد که مطیع و سر به زیر باشد، نگاه کودک ایرانی یا به سمت پایین است یا از پایین به بالا؛ این تربیت در نظام نظارت و ارزیابی نیز تبلور دارد. نگاه کودک چینی به اطراف است و یک نگاه دایره وار دارد. ولی کودک آلمانی یک حرکت و نگاه رو به جلو و هدفمند دارد و به یک چشم‌انداز و تنها برای رسیدن به آن نقطه در خط سیر مشخصی در حرکت است. این دیدگاه در نظارت آلمانی‌ها قابل مشاهده است.

درس آموخته:

لزوم نهادینه شدن فرهنگ ارزیابی و تضمین میان ذی نفعان آموزش عالی

اگر نظام نظارت و ارزیابی، روند ارزش‌گذاری اقدامات و عملکردها و خروجی‌های معطوف به ادعاها و برنامه‌های از پیش طراحی شده و تدوین شده در نظر گرفته شود، یعنی تعیین فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب؛ بدون تردید فرهنگ، ساختار، روش و

اگر فرهنگ از پایه درست نباشد با وجود تلاش نیز نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. به همین خاطر چند اسلاید در مورد فرهنگ پایه آموزش در آلمان معرفی شده است و بعد از آن مقایسه صورت گرفته است. در این خصوص نامه‌ای از طرف مدیریت مدرسه به خانواده‌ها در آلمان فرستاده شد. متن نامه به این صورت است «امتحانات فرزندان شما نزدیک است، می‌دانم که همه شما امیدوار هستید که بچه‌های شما از عهده امتحانات بریایند اما لطفاً به این فکر کنید که در بین دانش‌آموزان شرکت کننده در امتحان؛ هنرمندی وجود دارد که نباید لزوماً چیزی از ریاضی بداند یا کارافرینی وجود دارد که تاریخ ادبیات انگلیسی برای او اهمیتی ندارد و یا موسیقی‌دانی است که نمره شیمی برای او اهمیتی ندارد. بنابراین اگر فرزند شما نمره خوب کسب کند و نه عالی لطفاً اعتماد به نفس و کرامت را از او نگیرید. به فرزندتان بگویید که مشکلی نیست و این تنها یک امتحان است. فرزند شما برای چیزهای بزرگ‌تری ساخته شده است به او بگویید که به او عشق می‌ورزید و او را به خاطر نمرات سرزنش نمی‌کنید. خواهید دید فرزند شما دنیا را فتح می‌کند. لطفاً این طور تصور نکنید که تنها پزشکان و مهندسان خوشبخت هستند. فناوری و آموزشی که داده می‌شود بر رویکرد عملی فرد در درازمدت اثر می‌گذارد و انسان را آماده زندگی کردن در عرصه حیات می‌کند.»

نظام ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش

عالی آلمان و ایران

آلمان دارای ۳ نوع موسسه خصوصی، غیر دانشگاهی یا دانشگاهی است اما در ایران یک تقسیم‌بندی دیگری وجود دارد. در ایران موسسات خصوصی، دولتی و نیمه دولتی هستند که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. نظام ارزیابی موسسات آلمانی مبتنی بر چهار داده کلیدی شامل ماموریت قانونی، سازمان، بودجه و منابع انسانی می‌باشد. ارزیابی در آلمان هر هفت سال یک بار انجام می‌شود در حالی که در ایران پیش‌بینی شده است سالی یک بار ارزیابی انجام شود. همین تکرار کوتاه مدت و بی محتوا نوعی ابتذال است که نظام نظارت و ارزیابی ایران به آن گرفتار است. گزارش ارزیابی آلمان‌ها در قالب یک بیانیه و پس از یک فرآیند محرمانه در صورت موافقت به صورت یک گزارش منتشر می‌شود در حالی که در ایران چنین نیست. ماموریت موسسات آلمانی عمدتاً حول پنج موضوع هست؛ کسب جایزه نوبل از طریق کیفیت بالا، مسئله محوری با کیفیت بالا، مطالعات مسئله محور طولی با کیفیت بالا، تحقیقات کاربردی با کیفیت بالا برای کسب درآمد، پشتیبانی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ایالتی و منطقه‌ای ولیکن در ایران متأسفانه تدابیری برای حل مسائل اصلی دانشگاه وجود ندارد.

معیارهای آن مهمترین نقش را در فرآیند شکل‌گیری و استقرار و جاری شدن و هویت بخشی به آن خواهند داشت. بنابراین این مولفه‌ها مهم هستند اما مهمترین ویژگی مدیریت آلمانی، داشتن اخلاق و الگو، تاکید بر بهره‌وری و کیفیت بالا و خدمات تولیدی، توجه ویژه به آموزش و مدیریت، توجه به مسائل فنی، تصمیم‌گیری مشترک و.. است.

درس آموخته:

مبتنی بودن نظام ارزیابی و تضمین کیفیت بر بهبود وضعیت موجود؛
ارزیابی و تضمین کیفیت مشارکتی و مبتنی بر گفت‌وگو و ساختار غیر متمرکز؛
روشن‌مند بودن فرآیند ارزیابی و تضمین کیفیت؛
شفافیت نتایج ارزیابی مراکز و موسسات آموزش عالی

موسسات آموزش عالی
تضمین کیفیت
ارزیابی مشارکتی
بهبود وضعیت موجود

تقریباً همه زیرنظام‌های آموزش عالی در ایران دو مأموریت عمده ایجاد شغل و دیگری تربیت نیروی انسانی را عهده دار هستند. البته در برخی از اساسنامه‌ها بر روی کاغذ برخی از مأموریت‌ها خوب تعریف شده است اما عمل به آن محقق نمی‌شود. بنا به تجربه زیسته می‌توان گفت ارزیابی معطوف به مأموریت یک موسسه آموزش عالی طی ۱۰ تا ۱۲ سال اخیر در ایران صورت پذیرفته است و این یک ضعف اساسی است.

درس آموخته:

استفاده از شاخص‌های کیفی در ارزیابی
به جای شاخص‌های صرفاً کمی؛
ارزیابی معطوف به مأموریت مؤسسات
آموزش عالی.

نهادهای متولی نظام ارزیابی در ایران و آلمان

نهادهای متولی نظام ارزیابی در ایران شامل شورای نظارت ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت عتف، مرکز نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت عتف، هیات‌های نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت استانی، و چهارم دفاتر تضمین کیفیت در مؤسسات آموزش عالی می‌باشد. اما در آلمان به شکل دیگری است. در حقیقت

نظام آموزش عالی ایران مبتنی بر اجزای زیر است:

در ایران به‌جای سازمان به ساختار توجه می‌شود. بنابراین نگاه محدود است. از طرفی به‌جای منابع انسانی به نیروی انسانی توجه می‌شود. در واقع به آمار توجه می‌شود. منابع تعریف دیگری دارد. حتی یک گام جلوتر از آن سرمایه انسانی دارای اهمیت می‌باشد. علاوه بر آن در ایران فضای فیزیکی بسیار با اهمیت است و همیشه در حال مقایسه متراژ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با یکدیگر بوده است. در حالی که آنها در مورد محیط زیست و محیط کار صحبت می‌کنند. ما به رویدادهای علمی و فرهنگی و کمیت آن مورد بحث است. همچنین در آلمان به اثرات توجه می‌کنند. آیت‌هایی نظیر جایگاه‌های مدیریتی، نسبت استاد به دانشجو، نسبت کارمند به دانشجو و آمار رویدادهای علمی و فرهنگی؛ انتشار مقالات مهمترین محتوای گزارش‌های ارزیابی در ایران است. اما مأموریت‌ها در ایران تقریباً تمام مأموریت‌های مؤسسات و دانشگاه‌ها به استثنای اساسنامه برخی از مؤسسات یکی هستند و مأموریت برخی از زیر نظام‌ها چندان واضح نیست.

دفتر مشاوره و کمیته ارزیابی سنا وجود دارد. لذا نظام ارزیابی در آلمان دارای دو رکن می‌باشد یکی دفتر مشاوره و ارزیابی موسسات و دیگری کمیته ارزیابی سنا می‌باشد. مخصوصاً بیانیه سنا توصیه‌ای در مورد بودجه مشترک توسط دولت‌های فدرال اثر گذار است. ارزیابی موسسات در آلمان مبتنی بر یک پکیج کامل متشکل از چهار منبع جمع آوری داده‌ها می‌باشد که معمولاً توسط خود موسسات تهیه می‌شود. اما در ایران ارزیابی از طریق کاربرگ‌هایی است که موسسات نقشی در تعیین آن ندارد و کلیه فرایند ارزیابی در این کاربرگ‌های محدود و مبتنی بر شاخص‌های کمی خلاصه می‌شود. در چنین شرایطی خروجی چنین ارزیابی نیز همین کاربرگ‌ها هستند. ولیکن بیانیه یا گزارش ارزیابی در آلمان بسیار درس آموز است. در این بیانیه داده‌های کلیدی، مأموریت قانونی، سازمان، بودجه و منابع مالی وجود دارد و حداکثر دو صفحه می‌باشد. نکته مهم دیگر در نظام ارزیابی آلمان تغییرات و برنامه ریزی است که بر اساس مولفه‌های خود و ارزیابی‌های قبلی و برنامه ریزی برای سال‌های آینده می‌باشد. همچنین برنامه ریزی برای بودجه‌های اضافی ناشی از بودجه‌های دولتی است. مسئله بعدی کنترل و مدیریت کیفیت است در ۱۰ صفحه تهیه می‌شود و مورد بعدی منابع انسانی و همکاری و محیط زیست است که در ۷ صفحه ارائه می‌شود. این در حالی است که رئیس مطالب پیش‌بینی شده در کاربرگ‌های ارزیابی ایران شامل: مشخصات مسئول موسسه، آمار اعضای هیأت علمی و کارکنان است.

اکنون این سوال مطرح می‌شود که شناساندن مسئول موسسه در بیانیه ارزیابی چه دردی از آموزش عالی و کیفیت آن حل می‌کند؟ این به‌عنوان یک ملاک قرار گرفته است. همچنین در این بیانیه آمار دانشجویان به تفکیک رشته‌ها، نسبت استاد به دانشجو، و.. لحاظ می‌شود. خب این آمار داده خام است. به واقع وقتی نسبت استاد به دانشجو مطرح می‌شود در حقیقت چند تا عدد

درس آموخته:

تعدد منابع گردآوری اطلاعات در فرایند

ارزیابی

توجه به داده‌های کیفی در گزارش یا

بیانیه ارزیابی

گفته شده و فقط در اسناد بالادستی آمده و آن هم فقط در مورد یک زیرنظام خاص است. در آموزش عالی دولتی می‌گویند نسبت استاد به دانشجو یک به ۱۸ است. این یک به ۱۸ معنی درستی ندارد. به طور مثال دانشگاه پیام نور دو تا هیأت علمی گروه ادبیات دارد و دویست تا دانشجوی مهندسی. این چه معنی دارد؟ یک به ۲۵۰ را هم تامین نمی‌کند، همچنین ذکر سایر اطلاعات از جمله هیات موسس، هیأت امناء و فضای کالبدی و اماکن عمومی و رفاهی و.. در بیانیه ارزیابی آموزش عالی در ایران مورد توجه است. خب اصلاً دانستن اینکه چه کسی دانشگاه را تاسیس کرده چه

ترکیب اعضای نظارتی در دو کشور آلمان و ایران

در آلمان گروه ارزیابی متشکل از ۱۶ نفر متخصص است که حتماً نماینده دولت محلی نیز در میان آنها وجود دارد. ضمن آنکه اعضای هیات ارزیابی نباید با کارمندان موسسه مورد ارزیابی خویشاوند باشند. یعنی فرد ارزیاب کننده ای نمی‌تواند به موسسه‌ای برای بازدید برود که در آن موسسه فامیل یا خویشاوندی دارد. آنها بسیار حساس و دقیق هستند و عدم اشتغال در موسسه مورد ارزیابی مولفه دیگر اعضای هیات ارزیابی می‌باشد. عدم عضویت در کمیته‌ها، عدم درخواست موقعیت در ۷ سال گذشته؛ یعنی موسسات مورد ارزیابی در ۷ سال گذشته نباید درخواست شغلی از اعضای تیم ارزیابی دریافت کرده باشند. این امر برای جلوگیری از سوگیری در نتایج ارزیابی مهم است. ولیکن این مهم در ساختار ارزیابی تضمین کیفیت آموزش عالی ایران رعایت نمی‌شود و مسائل فزاینده ای را حاصل گشته است. در این خصوص یک مصداق عینی بنا به تجربه زیسته در بستر آموزش عالی ایران قابل ذکر است:

«هنگام بازدید از یک موسسه آموزش عالی در یکی از شهرهای کشور یکی از مدیران مسئول هیأت ارزیابی درخواست و تاکید نمود که این موسسه مورد ارزیابی باید زمین‌گیر بشود!! وقتی به آنجا مراجعه شد نتایج بررسی نشان داد که رئیس آنجا یکی از بهترین‌های حوزه خود است که دارای تحصیلات عالی در یکی از

دردی را از نظر کیفی دوا می‌کند؟ خلاصه اطلاعات فعالیت‌های پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی و پیوست‌های خود اظهار می‌فرستاده می‌شود و درخواست می‌شود خود موسسه این فرم‌ها را پر کند و پس از آن هیاتی به موسسات می‌رود تا راستی آزمایی کند. بحث بودجه در این فرم‌ها شامل ارقامی است که از طرف موسسه بیان شده و در خصوص عملکرد و میزان بودجه چیز دیگری وجود ندارد. حتی برخی دانشگاه‌های نهادی در واقع اجازه ارزیابی نمی‌دهند. به طور مثال دانشگاه امام صادق هرگز اجازه نداده است وزارت عتف از آنجا بازدید کند. دانشگاه امام حسین وابسته به سپاه پاسداران و دانشگاه امام علی وابسته به ارتش و دانشگاه جامعه المصطفی نیز هیچکدام اجازه نداده‌اند که نهادهای نظارت و ارزیابی به آنها ورود پیدا کند.

درس آموخته:

عملکرد محور بودن فرایند ارزیابی و ساختار بیانیه؛ توجه به اصل شفافیت و پاسخگویی در فرایند و بیانیه ارزیابی.

چرا این دقت را داریم؟

بخش مهمی از فرایند ارزیابی در

موسسات آموزشی

بهترین دانشگاه های جهان است و نتایج ارزیابی هم‌تایان نیز حاکی از آن بود که ایشان بسیار اثربخش در حال مدیریت دانشگاه خود می‌باشند. بر این مبنا پس از بازگشت گزارش ارزیابی را با بهترین کیفیت آماده نموده و تحویل مدیر مربوطه گردید. اما ایشان به دلیل اینکه نتایج گزارش باب میلشان نبود فرمودند این چه گزارشی است!!! خدمت ایشان توضیح داده شد که این گزارش بنده بعنوان ناظر است و مبنای آن مشاهدات و بررسی های دقیق بوده است که نشان داده موسسه مد نظر با کیفیت بوده و در چنین شرایطی چطور می‌توان گزارش کرد که کیفیت نداشته است!!!»

یکی از مسائل دیگر که نظام ارزیابی ایران بر خلاف نظام ارزیابی آلمان دچار آن است، مدیریت است. این که نظام ارزیابی آموزش عالی در ایران سیاسی می‌باشد. اما نظام ارزیابی در آلمان کاملاً حرفه‌ای است. این نگاه سیاسی هنوز هم در ایران وجود دارد. گروه ارزیابی عمدتاً از افراد غیرمتخصص تشکیل شده و به ندرت از ۵ نفر بیشتر می‌شوند و این هیات به صورت رندوم انتخاب می‌شوند. ضمن آنکه هیاتی که از مرکز نظارت بعنوان هم‌تایان اعزام می‌شوند شامل سه نفر از هیات استانی و دو نفر از وزارت عتف می‌باشند. تنها ملاک و معیار انتصاب تیم ارزیاب نیز این است که سهامداران موسسه مورد ارزیابی نباشند. این تنها معیار و ملاک انتخاب اعضای هیات ارزیابی در ایران می‌باشد.

روش و مبنای ارزیابی ایران و آلمان

روش آنها دموکراتیک و مبتنی بر ارزیابی به شیوه

درس آموخته:

عدم غرض ورزی و شخصی سازی در فرایند و تدوین بیانیه ارزیابی؛ لزوم انتخاب علمی مبتنی بر تخصص محوری در انتخاب گروه ارزیابی کننده و عدم در نظر گرفتن سلايق، خویشاوندی و توجه به منافع و...؛ تلقی ارزیابی و تضمین کیفیت بعنوان یک فعالیت حرفه ای و نه سیاسی

مشارکتی و موسسه عضو فعال ارزیابی می‌باشد. در واقع خود موسسه پیشنهاد می‌دهد در خصوص آیت‌های ارزیابی که چگونه مورد ارزیابی قرار بگیرد. اساساً نظام ارزیابی آلمان شایسته محور می‌باشد و نتیجه گراست و عاری از هرگونه رنگ و بوی سیاسی است. اما این موضوع در ایران با روش انتصابی، عددی (نسبت مترائ، تعداد کتاب) و سیاسی است. آنها قابلیت دیده شدن را می‌سجند و اثرات موسسات در اجتماع در سطح ملی، در سطح منطقه مورد توجه است. ولیکن این نگاه در ایران همیشه بازخواست گونه و دارای جریان از بالا به پایین است. به واقع ساختار آموزش عالی در ایران به موسسات به چشم زیر دستان خود نگاه می‌کند و این

رویکردی است که ریشه آن به سیستم آموزش و پرورش بر می گردد. اینها واقعیت‌های نظام ارزیابی ایران است. در آلمان در کنار شاخص‌های کمی به شاخص‌های کیفی نیز توجه می‌شود، اما در ایران از طریق تیک زدن مقادیر عددی ارزیابی موسسات مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در آلمان نتایج ارزیابی منجر به ارائه راهنمایی و توصیه برای موسسه می‌شود اما در ایران نتایج حاوی دستورالعمل‌هایی لازم الاجراست که به موسسه فرصت می‌دهد که طبق زمان مشخص شده موارد خواسته شده را بهبود بخشد.

گزارشی که علیه اش صادر شده اجازه اعتراض داشته باشد. در حالی که در آلمان گزارش‌ها هنجاری و توافقی بوده و در قالب بیانیه ارائه می‌شود. ضمن آنکه پیش از انتشار با موسسه در میان گذاشته می‌شود و چنانچه موسسه احساس کند منصفانه و مطابق با اصول مندرج در توافقنامه نبوده است، اعتراض‌ها دقیقاً توسط هیأت دیگری رسیدگی می‌شود و داوری مستقل در مورد آن به قضاوت می‌پردازد. گزارش ارزیابی آلمان‌ها مبتنی بر هفت مولفه است؛ ذکر خلاصه، بیان مفهوم کلی فعالیت‌ها و نتایج کلیدی، مفهوم کلی و فعالیت‌های موسسه در زمینه‌های تحقیق، توسعه، بهره‌برداری از زیرساخت‌ها و انتقال دانش است. نتایج کلیدی با در نظر گرفتن شاخص‌های کیفی که همان نکات برجسته از طیف فعالیت‌ها است سنجیده می‌شود. شاخص‌های کمی در خصوص انتشارات علمی، نشریات و بخش‌های خارج از علم و تحقیقات در صورت قابلیت کاربرد، حق مالکیت، ثبت اختراعات، تغییر سیاست‌ها، مقالات مشاوره در صورت لزوم، استفاده از زیرساخت‌های تحقیقاتی، و دسترسی به رسانه، و همچنین سایر شاخص‌ها را در بر می‌گیرد.

در واقع معیارهای این گزارش‌ها مشکل‌از؛ ارزشیابی از طریق ارزشیابی کیفی، پاسخگو بودن، ادراک، تاثیر، رقابت پذیری، قابلیت دیده شدن، کمیت، اصالت، اهمیت و ربط و اشتیاق برای ریسک کردن، انسجام و قابل باور بودن و ارتباط با سایر بخش‌های مختلف جامعه است. در حالی که در ایران جز چند مورد مثل

درس آموخته:

توجه به واقعیات در فرایند ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی؛ رویکرد مشارکتی و گفتگومانی میان ساختار و زیست بوم آموزش عالی در بحث ارزیابی؛

نمونه ارزیابی:

مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معیارها برای ارزیابی کیفیت آموزش عالی؛

گزارش‌های نظارتی در ایران و آلمان

در ایران گزارش‌ها بیشتر توصیفی و مبتنی بر نظر مدیر گروه ارزیابی بوده و غیر قابل اعتراض است. امکان ندارد که موسسه‌ای درباره بازدید که شده،

انتشارات در بقیه معیارها با کشور آلمان اشتراک معنا وجود ندارد.

در ایران فقط تعدادی آمار در خصوص تعداد دانشجوی، استاد و.. ذکر می شود. از طرفی، همین نگاه نیز بسیار محدود است. به طول مثال بیان می شود که این تعداد دانشمند در ایران وجود دارد، اما سوال این است که آیا مفهوم دانشمند به صورت دقیق و صحیح تعریف شده

درس آموخته:

**جامعیت شاخص های ارزیابی؛
ساختار و فرایند مشخص، منظم و
مورد توافق نظام ارزیابی و موسسات
مورد ارزیابی؛
ارزیابی بعنوان فعالیتی جهت بهبود
کیفیت و نه صرفاً فعالیتی اداری؛**

توجه به به صلاح آموزشی اداری؛

ارزیابی نهاد آموزشی خرد نهاد

مورد ارزیابی؛

مورد ارزیابی نهاد آموزشی و موسسات

است؟ به طور مثال فردی ۷۰۰ مقاله نوشته و معتقد است که دانشمند جهان اسلام است. با چه ملاکی سنجیده شده که به چنین تلقی دست یافته است؟ چه حرف جدید را در حوزه دانش بشری ارائه کرده است؟ دنیا از کدام نظریه وی استفاده کرده است؟ اینها مسائل بنیادی نظام ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی ایران است که باید مورد توجه اساسی قرار گیرد.

در مرحله بعد کنترل و مدیریت کیفیت مورد توجه قرار می گیرد که شامل بررسی بودجه و تسهیلات می باشد. این بودجه در ایران هیچگاه درست رصد نمی شود حتی در وزارت علوم. در حقیقت، بودجه وقتی باید تخصیص داده شود که مبنای آن عملکرد گذشته قرار بگیرد. اما در ایران موضوع به این شکل پیش نمی رود. به نحوی که بودجه ای وجود دارد و نهاد آموزش عالی با بیان تعداد دانشجوی، منابع انسانی، و داده های کمی متناسب با آن از سازمان برنامه و بودجه طلب بودجه مورد نیاز می نماید. این شکل از عمل نمی تواند آموزش عالی ایران را به آن هدفی که در دنیا مطرح هست برساند. یک ملاک مهم دیگر در ارزیابی موسسات، آنالیز کردن ظرفیت های تربیت دانشجویان دکتری است. علاوه بر آن بحث انتصابات در سایر سازمان ها نیز مهم قلمداد می شود. یعنی افرادی همزمان مشاغل متعددی را در انتصاب دارند؟ علاوه بر آن رویکرد جوان گزینی در حوزه های کاری نیز بسیار مهم است. همچنین توجه به کارمندان غیر علمی نیز در ارزیابی ها مورد توجه است. مساله کار آموزی شرکت در آموزش های فنی و حرفه ای ملاک اساسی است. همچنین فرصت های برابری که بین تعادل کار و زندگی در عرصه کاری برای کارمندان غیر هیأت علمی است بسیار مهم است. مبحث جنسیت نیز ملاک دیگری است که مورد توجه است. چه از پست های اداری چه از پست های تحقیقاتی حتما باید بر مبنای عدالت جنسیتی باشد. اقدامات برای ارتقای جنسیتی خصوصاً در سطوح مناسب ارشد و رهبری اینها مورد ارزیابی قرار می

گیرند. ضمن آنکه به تعادل کار و زندگی بسیار اهمیت داده می شود. بدین معنی که در حقیقت کار را برای اعضای هیأت علمی تفریح کنند. معیارهای ارزیابی محیط کار خیلی مهم است. در مباحث پیشین مطرح شد که در گزارش ارزیابی ایران به فضا توجه می شود ولی در آلمان، محیط مورد توجه قرار می گیرد.

محیط فقط فضا نیست، محیط می تواند شامل اخلاق همکار، همکاری با دانشگاه ها، مشارکت و همکاری با مراکز تحقیقاتی، همکاری با موسسات در اتحادیه های تحقیقاتی دیگر و سایر همکاری ها و تشریک مساعی ها باشد. اینها ملاک های مهم ارزیابی در آلمان است. در نهایت اعضای سنا با دادن درجات عالی، خیلی خوب، خوب و ناکافی به قضاوت می پردازند. سرانجام این قضاوت ها به صورت گزارش به استحضار موسسه رسانده می شود. همچنین با توجه به وزن ملاک ها کسب نمره کمتر از ۵۰ حاکی از عدم کسب حد نصاب در ارزیابی می باشد. در چنین شرایطی نتایج ارزیابی و عملکردها مبنای تخصیص بودجه قرار گرفته می گیرد و بودجه فدرال موسساتی که حد نصاب ارزیابی ها را کسب نکرده باشند قطع می شود.

درس آموخته:

بودجه ریزی مبتنی بر نتایج ارزیابی؛
شفافیت مالی در ارزیابی موسسات؛
توجه به محیط در ارزیابی موسسات؛
ارزیابی عدالت جنسیتی انتصابات
سازمانی.

۳۳۱۳۳۳

ارزیابی خستگی و استرس
بخش و محیط در ارزیابی موسسات

تفاوت نظام ارزیابی آلمان و ایران

از جمله تفاوت های نظام ارزیابی در آلمان و ایران می توان به؛ تفاوت ماهوی، تفاوت فرهنگی، تفاوتی روشی (بازرسی جویان، سخت گیرانه و...) اشاره کرد. در حقیقت شیوه ارزیابی در آلمان به صورت نرم، مشارکتی و مبتنی بر هنجار است. ضمن آنکه رنگ و بوی سیاسی در ارزیابی آنها نیست ولی در نظام ایران وجود دارد. آخرین تفاوت اساسی نیز به معنا و درک مفهوم ارزیابی و مفاهیم مربوطه در ایران و آلمان است. مثلا واژه های استاد و دانشمند در حقیقت در بستر آموزش عالی آلمان معانی خاص دارد. در حال حاضر مهم ترین آسیب نظام ارزیابی آموزش عالی در ایران نداشتن رویکرد حرفه ای در امر نظارت، عدم استفاده از نیروهای متخصص، به کار گیری معیارها و نشانگرهای غیر استاندارد و گرفتار آمدن در فرمالیسم است. در نهایت می توان چنین نتیجه گرفت که «هر آن کس که می خواهد پرواز کردن را بیاموزد ابتدا باید ایستادن، دویدن و راه رفتن و رسیدن را یاد بگیرد. هیچ کس پرواز را با پرواز نمی آموزد لذاست که دانشگاهیان ما باید بدون مایوس شدن بدانند دانشگاه در ایران راه دراز و مملو از چالشی را تا تبدیل شدن به آلمان در پیش دارد اما تردیدی نیست که هیچ احتمالی در دنیای علم صفر مطلق نیست، همه چیز در گروه خواستن است ولیکن خواستنی باورمندانه و توأم با عزمی راسخ؛ به همین سادگی و به همان صعوبت.»

درس آموخته:

شیوه ارزیابی نرم، مشارکتی و مبتنی بر معیار؛
ارزیابی و تضمین کیفیت بعنوان فعالیت حرفه ای؛
طراحی نظام ارزیابی مبتنی بر ماموریت موسسات؛



سعید سعیدی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



بنده می خواهم از یک جایی شروع کنم که به نظر غیرمرتبط با موضوع است. می خواهم از زیست شناسی و نظریه انتخاب طبیعی شروع کنم. طبق نظریات داروین نیاز، فرم ایجاد می کند و انتخاب طبیعی که ناشی از رقابت است، را به وجود می آورد. در واقع انتخاب طبیعی سازگاری یا بهتر بگم بهینه ترین نوع سازگاری یک سیستم اعم از موجود زنده یا یک سیستم دانشگاهی را به وجود می آورد. به عبارتی هر سیستمی بنا به انتخاب طبیعی و رقابت به بهترین فرم خودش

مدیرانش فرآیندی سیاسی شده؟! در صورتی که به نظر می‌رسد انتخاب چنین افرادی نباید زیاد سخت باشد و بر اساس نظر نخبگان و فرهیختگان باید انجام بشه. یعنی کاملاً علمی و تخصصی است. اما اینجور نیست. این یعنی نظام آموزش عالی ما سیاسی است و لذا دانشگاه گاهی حتی خود را نیازمند رقابت نمی‌بیند، چه برسد به اینکه به کیفیت بیندیشند. در حالی که در سیستم های دانشگاهی باید مبنای رقابت باشد. به طور مثال اگر بودجه بر مبنای عملکرد باشد و رقابتی، اصلاً نیاز به مقایسه و بنچ مارک نیست. ما شا الله به اندازه ای آدم متخصص داریم که می‌توانیم سیستم های ارزیابی طراحی کنیم. یک مورد دیگر که باید اشاره کنم، غیر متمرکز بودن ارزیابی است که خیلی مهم است و تمرکز و نوشتن دستورالعمل واحد وزارتخانه برای ارزیابی، رویکرد و رویه صحیحی برای ارزیابی نیست.

می‌رسد. بنابراین به نظرم در مسئله ارزیابی کیفیت و رسیدن به فرم ایده آل ارزیابی، حلقه مفقوده -فارغ از مسئله مقایسه نظام های ایران با سایر کشورها و رویکردهای بهینه‌گزینی- همین توجه به فرم ایده آل هست که منطقاً ناشی از رقابت است. بطور خلاصه بر اساس مبانی انتخاب طبیعی زیست‌شناسی، برای رسیدن به فرم ایده آل ارزیابی، باید رقابت وجود داشته باشد. رقابت اصل ارتقاء کیفیت است. سیستم آموزش عالی ما رقابتی نیست، به این دلیل که سیاسی است. آموزش عالی ما سیاسی است، دولتی است. ببینید واقعیت اینه که ما نمی‌توانیم خودمان را اسیر مفهوم ساختار بکنیم. عاملیت هم مهمه. وقتی گفته می‌شود به دلیل اینکه مساله فرهنگی است دیگر درست نمی‌شود، چون ساختاری است، امکان اصلاح نیست و غیره، بله قبول داریم که مسائل ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی در ایران جنبه های فرهنگی، ساختاری، ماهوی و.. دارد، ولی باید توجه کرد که گاهی تفاوت ممکن است به عامل ها، سیاست مداران، سیستم حکمرانی و.. برگردد. مدیریت و حکمرانی آموزش عالی در اکثر مناطق دنیا دارای رویکرد علمی است. رئیس دانشگاه، وزیر و.. افراد علمی هستند و انتخاب شون هم باید بر اساس رویکردهای علمی. ولی در کشور ما معمولاً- اگر خاطرتان باشد، قبلاً بحث و جدل های سیاست مداران روی انتخاب وزیرانی مانند نفت و اطلاعات بود، ولی امروزه بحث و جدل ها رفته سمت وزارتخانه هایی مانند وزارت علوم. چرا؟ مگه وزارت علوم، وزارت کشور یا خارجه است که اینقدر انتخاب

سمیه فریدونی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

عالی در ایران نیز خیلی فراز و فرود داشته و همین که در این اوضاع بسیار دشوار تا اینجا سرپا مانده برای من قابل احترام هست و البته این به معنای این نیست که دنیایی از نقدها به این سیستم وارد نیست.

مورد بعدی به بخشی از یافته های پژوهشی که ارائه شد باز می گردد. مثلا مواردی که در مورد ویژگی های فردی و سیستمی در ایران بیان می شود واقعا قابل استناد نیست. مثلا به خودمان برگردیم آیا واقعا تجربه زیسته ما در سازمان ها می گوید ما یا کارکنان دیگر مطیع و سربه زیر هستیم؟ لذا تعمیم وسیع دادن این یافته ها شاید با بعضی از واقعیت های ساختارهای متنوع همخوانی نداشته باشد. یک بحث دیگری که برای من جای سوال بود اینکه درباره ویژگی های مدیریت در آلمان صحبت شد. ویژگی های تمرکز و سلسله مراتبی بودن و اینها که همگی به عنوان محاسن نظام آموزش عالی آلمان بیان شدند. این هم برای من کمی متناقض است با اتفاقاتی که ما انتظار داریم در نظام آموزش عالی ایران و سطح مدیریتی آن رخ بدهد. اتفاقا نقدهای که ما در سیستم آموزش عالی انجام می دهیم همان ویژگی های است که الان به عنوان محاسن مدیریت کلان در آلمان مطرح شد، اینکه خیلی تمرکزگرا و سلسله مراتبی و.. است و این تناقض، کمی قابل تامل است. یک بحث دیگر اینکه ملاک ها، شاخص ها، استانداردها و غیره برای ارزیابی بسیار مهم است اما مهم تر اینکه در چه ظرفی ریخته می شود؟ یعنی ظرفی به عنوان ارزیابی طراحی می شود که قرار است در خدمت تحقق یک هدف باشد. بر



خیلی موافق نیستم با رویکردی که در آن یک نظام کوبیده شود و یک نظام دیگر خیلی متمایز نشان داده شود. زیرا فکر می کنم نمی تواند نگاهی مبتنی بر واقعیت باشد. این تحلیل ها نشان می دهد که شاید فقط محقق یک نظام دانشگاهی را از بیرون دیده و مسائل واقعی که در آن در جریان است را به کفایت رصد نکرده است. مثلا این که آیا دانشگاه های آلمان هیچ مشکلی با نظام ارزیابی شان ندارند؟ این مقداری در تجربه های اندک ما از ارتباط با دانشگاه های خارجی همخوانی ندارد. از بعد دیگر هم باید توجه داشته باشیم آموزش

مریم حسینی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



در مورد مقایسه نظام آموزش عالی ایران و آلمان، ابتدا باید به این سوال توجه کرد که آیا نظام آموزش عالی ایران و آلمان با یک سیستم اداره می شوند؟ آیا سیستم آموزش عالی آلمان نیز همانند ایران متمرکز است؟ در شرایط تمرکزگرایی، به هر میزان نیز که اهداف خیلی خوب داشته باشیم، عملکرد خوبی نمی توانیم انتظار داشته باشیم. اساسا آیا در یک نظام متمرکز می توان به اهداف اهورایی اسناد بالادستی دست یافت؟ اگر ارزیابی را پایش رسیدن به اهداف در نظر بگیریم مشکل ما اهداف مان است که بسیار اهورایی و غیرواقع

همین اساس هم شاخص ها و ملاک ها طراحی می شود. بنابراین راس همه اینها تعیین هدف ارزیابی است، یعنی در تمام مواردی که شما فرمودید من متوجه نشدم که آموزش عالی با چه هدفی ارزیابی می کند؟ یعنی دفتر ارزیابی آموزش عالی در ایران دنبال چه چیزی است؟ به طور مثال می پذیریم که دانشگاه در همه شاخص ها نمرات خیلی بالایی کسب کند بعدش قرار است چه اتفاقی بیافتد؟ قرار است زندگی مردم را تغییر بدهد؟ قرار است صنعت رو تغییر بدهد؟ قرار هست اشتغال را بالا ببرد؟ قرار است چه پیامدی داشته باشد که بگوییم این دانشگاه نمره خوبی از لحاظ ارزیابی گرفته و بعد بر اساس آن هدف، این ملاک ها تعیین بشود. در حقیقت چیزی که من در این حوزه درک می کنم این است که وقتی نهاد مستقلی برای ارزیابی وجود ندارد و سیستم در واقع خودش می خواهد خودش را ارزیابی کند خب مشخص است چه اتفاقی می افتد. ببیند خود سیستم آموزش عالی یک جزء از سیستم کلان تر جامعه است لذا حتی اگر نهاد مستقل شکل بگیرد اینقدر شکاف های مختلفی در این سیستم وجود دارد که اصلا به ما خروجی نمی دهد. مثلا وقتی اصناف وجود ندارند چطور می توان در مورد مشارکت ذی نفعان در ارزیابی و کیفیت صحبت کرد. بنابراین از یک سو باید مراقبت کرد که ارزیابی به عنوان هدف تلقی نشود زیرا ارزیابی تنها ابزاری است برای پایش تحقق اهداه اما از سوی دیگر هم برای شکل گرفتن نظام ارزیابی نیاز است تا مجموعه ای از پیش بایست ها و مسائل پیشینی محقق شود تا به راه اندازی و اثرگذاری نظام ارزیابی امید بست.

یزدان ابراهیمی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



به نظر می رسد حداقل تا ده سال آینده راه حلی برای مسائل آموزش عالی به خصوص حوزه ارزیابی ارائه نشود، چون اصلا نیازی به اصلاح در سیستم احساس نمی شود. توجه کنید که وقتی که آلمان را مورد بررسی قرار می دهیم، اصل قضیه این است که آلمان نیازمند یک سیستم رقابتی است. یعنی برای اینکه بتواند خدمات و کالاهای خود را در سطح جهانی به فروش برساند می بایست کالاهایش از کیفیتی مناسب و رقابتی برخوردار باشند. این اصل ساده ای است که در واقع ما در فضای رقابتی قرار نداریم. به همین خاطر

بینانه است. از طرفی، دست و پای زیست بوم دانشگاهی در عملکرد بسته است که آن هم بخاطر نظام متمرکز است. لذا می بایست میل به عدم تمرکز یا نیمه متمرکز شدن وجود داشته باشد. فلسفه و ماموریت های یک دانشگاه نیز متأثر از آن اسناد بالادستی و هژمونی حاکم بر دانشگاه است که اختیار و عملکرد دانشگاه را محدود می کند. از طرفی یک بحثی از گذشته مطرح شده بعنوان تفاوت های فردی و بعدها این بحث را با موضوع متفاوت سازی پیوند دادند. بدین معنی که در استعدادها، رفتارها، نگرشها و... در همه چیز هماهنگونه که اثرانگشت های متفاوت وجود دارد، بقیه چیزها نیز متفاوت باشد. ولی نظام آموزشی متمرکز حرکت در چنین مسیری را غیر ممکن می کند. بنابراین ایده بنده این است که رویکرد متمرکزی که وجود دارد امکان حرکت در جهت اهداف اهورایی و زیبا را نمی دهد و باعث می شود آن اهداف در حد خیال و آرزو باقی بماند. ضمن آنکه این نظام متمرکز با پیروی از رویکردهای یک جانبه و تحکمانه بر شکل دهی تفکر اسفنجی به جای تفکر نقادانه و خلاق تاکید می ورزد. خروجی چنین سیستمی یک فرد بسته متصلب بدون فکر و ایده است. بنابراین ما باید ابتدا به سمتی برویم که از آن سیستم متمرکز، ساختارشکنی های بتوانیم انجام بدهیم که از این کوزه چیزی بترآود که تا حالا نترآویده است.

غلامرضا ذاکر صالحی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



به نظر بنده که سال هاست مطالعات تطبیقی انجام می‌دهم، مشاهده مستقیم یک پدیده چیزی به شما میدهد که گردآوری اطلاعات نمی‌دهد. این فرم ارزیابی دانشگاه آلمانی که اینجا ارائه می‌شود پیوست آن یک روح دارد. آن روح دیگر اینجا نیست. برای درک آن باید بروید در زمینه و ببینید و آن را ادراک نمایید. برخی دوستان فرمودند بدینم، دیگری گفت من خوشبینم. من می‌گم راه سومی نیز وجود دارد که واقع بینی است. مثلاً آزادی علمی که خیلی‌ها بر روی آن تاکید می‌کنند، می‌گویند استقلال و آزادی یک سکه دو رویه

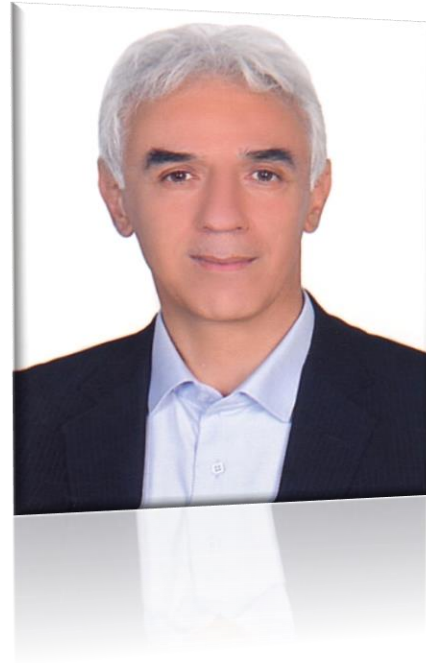
در سیستم آلمان همه دانشگاه و موسسات، شرکت‌های خصوصی و دولتی و حتی نیمه دولتی همه در جهت این موضوع حرکت می‌کنند که توانایی رقابت پذیری سیستم را افزایش دهند. چرا که اگر نتوانند این فضای رقابت پذیری را ایجاد کنند از بین خواهند رفت. این در ایران وجود ندارد و برای اینکه ما رقابت پذیر بشویم لازمه اش این است که سیستم منعطف و قابل تغییر باشد. بدین منظور برای اینکه ببینیم چه تغییری درست و باعث رسیدن ما به هدف می‌شود نیازمند ارزیابی و تضمین کیفیت هستیم. ما به دلایلی آن فضای رقابتی و تغییرپذیری را در فضای کلان و در سیستم آموزش عالی نداریم. یعنی مقصود از ارزیابی چیست؟ خوب برای بهبود. خوب برای اینکه بهبود پیدا کنیم اولین چیزی که اتفاق می‌افتد اینکه بتوانید در سیستم خود تغییر ایجاد کنیم. منابع انسانی باید قابل تغییر باشند. در سیستم دولتی ایران تقریباً هیچ منبع انسانی قابل تغییر نیست و دوماً شایسته سالاری و شایسته‌گزینی وجود ندارد. یعنی وقتی دغدغه و هدف رقابت پذیری نباشد دنبال شایسته‌ها و شایسته‌گزینی هم نیستیم. بنابراین وقتی از این منظر به این قضیه نگاه می‌کنید می‌بینید که کلاً سیستم آموزش عالی به بن بست رسیده است و تغییر در آن به سختی روی می‌دهد و تا زمانی که سیستم به رقابت و انعطاف پذیر نرسد هر راه حلی عملاً در عمل ابتر می‌ماند و به نتیجه نمی‌رسد.

است. وضعیت این بحث در آلمان چگونه است و چه ارتباطی با ارزیابی مستقلی که انجام می شود دارد؟ یا مثلا من تمایل دارم بدانم که در آلمان نهاد های مستقل ارزیابی و اعتبارسنجی چه ارتباطی با سنای داخل دانشگاه دارد؟ آیا آژانسی مستقل است به مانند آژانس های ارزیابی در کشور مالزی؟ مثلا در مالزی MQA یک آژانس مستقل ارزیابی است که در آن ابتدا دانشگاه، خود ارزیابی (ارزیابی درونی) انجام می دهد و نتیجه را برای MQA ارسال می کند. سپس این سازمان یک گروه متشکل از صاحبان صنایع، دانشگاهیان، و افراد خبره ارزیابی تشکیل می دهد و بعنوان همتایان و ذی نفعان موسسه را بازدید می نمایند و نهایتا نتیجه ارزیابی را به دانشگاه اعلام می کنند. ضمن آنکه توصیه هایی در خصوص نقاط ضعف و قوت موسسه ارائه نموده و شش ماه دیگر مجددا موسسه فوق را به تناسب ضعف های دیده شده مورد ارزیابی قرار می دهند. این چرخه ها در آلمان چگونه است؟ من تمایل دارم بدانم سنا در درون یا بیرون دانشگاه است؟ تعامل آن با آژانس های ارزیابی و اعتبارسنجی مستقل بیرون از دانشگاه چگونه است؟ اساساً دانشگاه در آلمان سه مجلسی اداره می شود. سنا یعنی شورای دانشگاه که بعضی مواقع تا ۲۰۰ نفر ممکن است عضو داشته باشد. از طرفی ممکن است افراد بیرونی هم عضو آن باشند و لزوما همه اعضاء داخلی نیستند. کنسپل هست که شورای اداری و مالی است و هیأت امنا هم وجود دارد. این بده بستان ابزاری بین نهاد مستقل و سنای دانشگاه و صنعت و خانواده ها داده

های جالبی دست می دهد که جزئیات آن در سایت ها، مقالات و کتاب ها نیست. همچنین مساله ناسیونالیسم و قومیت نیز در آلمان مهم است. همانگونه که مطرح شد در ایران موارد غیر علمی در فرایند و گزارش ارزیابی دخالت می کند. در کشور آلمان نیز قاعدتاً می بایست این مسائل وجود داشته باشد. چرا که بسیاری ناسیونالیسم هستند، فرانسوی تبارها، آسیایی ها، عرب ها، ترکها هم بعنوان اقلیت هستند. سوال این است که اینها با این تنوع نژادی و قومیتی چگونه توانستند مقوله قومیت رو کنترل کنند؟ و آن را وارد یک چارچوب عقلانی بکنند؟ نکته دیگر اینکه دولت هر جا پول می دهد می خواهد دخالت و نظارت خودش را اعمال کند. الان در آمریکا که حدود چهل درصد بودجه را دولت می دهد، و در آلمان این درصد بالاتر نیز است، اکنون این سوال مطرح است که دخالت دولت در ارزیابی چگونه است؟ این پولی که میدهد چگونه هزینه می شود؟ یا واقعا جالب است که در آلمان این مسیر خوداظهاری و سپس راستی آزمایی داده ها چگونه طی می شود؟ بالاخره آنجا هم دانشگاه خودش فرم رو پر می کند. اما همین تجربه در مورد ایران نتایج برعکسی به بار می آورد و منجر به داده سازی، صوری سازی و گزارش های غیر واقعی می شود. به نظر می رسد تاثیر گذاری ارزیابی در ایران از مقوله سیاست کاملا درست است. البته اگر نظام ارزیابی ما از سیاست گذاری تبعیت نکند خوب است. اما شاید منظور ما این است که از سیاست بازی تاثیر می پذیرد. لذا باید برای کاهش تاثیر

سیاست روزمره بر ارزیابی موسسات آموزش عالی
بررسی های جدی صورت پذیرد.

داود حاتمی؛ عضو هیأت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



داریم بعد وجه شبه شون چیست؟ ابزار شبه تون چیست؟ و بعد چی از دلش به دست میاد؟ من می خواهم ماشین سراتو را با ماشین بنز بسنجم. هر آنچه از نظر تاریخی و بیرونی ما می بینیم بر نظام های مقایسه ای ما و دنیای ما متردد است. توجه بکنید؛ چرخ داره، چرخ داره. فرمان داره، فرمان داره. راه میره، راه میره، اینها مشترکات ماست ولی بعد چیزهای اگر نیست اون نگرانی های شماست که در این بحث بود. بنابراین من توصیه ام به خودم در درجه اول و به گروه نازنینم و بعد به تمامی پژوهشگران این است که وارد برخی مباحث نشویم. تشبیه پذیری نیز این اواخر من دیدم در مطالعات دوره دکتری مثلا در زمینه ادبیات می گویند مولوی و فروید. یا فروید و خواجه نصیر طوسی. به این اعتبار که خواجه نصیر طوسی در شناخت نفس خویش و تربیت فرزند سخت گفته است. بعد می گویند فروید هم در نظریاتش به این مباحث پرداخته است. سوال این است که چه مقایسه ای این وسط می توان کرد؟ و اساساً ما به چه درسی می خواهیم برسیم؟ به فرض که نفس پژوهش مقدس است و بسیار هم زییاست. ما نباید فراموش کنیم که باید شرایط تقدم و تاخر تاریخ را در نظر بگیریم. زمان سنجان علم جامعه شناسی عنوان می کنند که میان چیزی موصوم به دنیای پیشرفته و دنیای نابخوردار از پیشرفته بودن ۴۲۰ سال فاصله زمانی وجود دارد. این فاصله تاریخی را در قیاس ها چگونه باید برطرف کنیم؟ ما باید به دنبال یک همانندی باشیم که خردمندانه باشد. یادمان باشد برای هر مشابهتی هر مطالعه

من یکی از چیزهای که در رشته خودم درس میدهم تشبیه است. شما امروزه در فارسی سعی می کنید مدرن به فضای نگاه کنید و بگویند همانندی یا همانند سازی. گروه من به آن تطبیق و مطالعات تطبیقی می گوید. ما در کلاس درسمان وقتی می خواهیم یک چیزی را به چیزی تشبیه کنیم می بینیم که آیا اینها اساساً جوهر شباهت و همانندی دارند یا خیر؟ مثل شباهت آب به کوه. زمین به آسمان. بعد اینها را می بریم در ذهن خودمان و رها می کنیم. از منظر شی وارد می شویم و مقایسه می کنیم. از منظر تصور ذهنی برای کار خودمان می گوئیم ما یک مشبه داریم و یک مشبه به

تطبیقی اصول را حتما باید یاد بگیریم و بر اساس آنها خودمان را به پژوهش های استاندارد نزدیک کنیم.

مریم پاکدامن؛ دکتری تخصصی علم اطلاعات و دانش شناسی



با توجه به زمینه تحصیلی بنده یعنی علم سنجی سوالی که برای من وجود دارد این است که در تمام این چارچوب ها که مطرح شد شاید کمتر شما بولد کردید یا واقعا کم رنگ بود حضور تعداد یا سرشماری از جنس علم سنجی دانشگاه و موسسات چقدر واقعا رنگ داشت؟ به دلیل اینکه همه ما می دانیم در دوره های مختلف، شمارش تعداد مقالات دانشگاهی شروع شد، سرانه گرفتن شروع شد و بعد دانشگاه ها رفتند به سمت سایتیشن. ولی الان همه این موارد کنار گذاشته شده و در آخرین کنفرانس علم سنجی که امسال در ایتالیا برگزار شد (ISSI) روی متریکس دارند کار می کنند. متریکس های که بتوانند ببینند که دانشگاه فقط سایتیشن علمی خود را نبینند. ببینند که در شبکه ها چقدر رفتند؟ چقدر توانسته اند در جامعه تاجر گذار باشند؟ اتفاقا یکی از مقاله های که در این کنفرانس

بود به خوبی اساتید آلمانی و آمریکایی داشتند روی این پژوهش کار می کردند که چطور دانشی که در مرز دانشگاه ها تولید می شود در لایه های جامعه رسوخ می کند؟ و این روند را دارند پیدا می کنند. اما می خواهم بگویم غیر از مواردی که شما فرمودید من بعنوان فردی که در یکی از دفاتر نظارت یک موسسه آموزش عالی کار می کنم، یک چالش دیگر هم می خواهم مطرح کنم که متفاوت از چالش های مطرح شده است. اینکه کاش برای ما فقط دفتر نظارت و ارزیابی وزارت علوم، ارزیابی می کرد. مجمع تشخیص مصلحت نظام نامه می زند و ما را ده ساله ارزیابی می کند. مجلس شورای اسلامی ۵ ساله دوره ارزیابی می دهد، اتاق به اتاق وزارت علوم سامانه دارد، ارزیابی دارد، سال به سال و... و مدام در حال تکمیل سامانه های متعددی در حوزه ارزیابی هستند. منظوم این است که وجود یک نظام ۱۲۰ صفحه و هفت ساله کاملا مشخص و تمیز خودش خیلی خوبه که تشتت ذهنی برای سازمان ها ایجاد نکند. اما اتفاق خوبی که در همین شورای ناکت افتاده این است که در حال حاضر یک نگاه ۳۶۰ درجه ای حکم فرما است. درون داد، برون داد و دایره ای نگاه می شود و قرار است دیگر از آن بحث های کمی از جمله نسبت ها و سرانه ها و.. فاصله بگیرند. این ضرب آهنگ هفت ساله خیلی جالب بود اما آیا مدیران و روسای آن سازمان ها و دانشگاه ها هم در اون هفت سال ماندگار هستند؟!